

مطالعه تحلیلی مسئولیت مدنی دولت

در فرض تعدد اسباب

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۰۴ احسان سامانی*

چکیده

از آنجاکه بر اثر فعالیت‌های دولت، ممکن است خساراتی به دیگران وارد شود، این سؤال مطرح می‌شود که خسارات وارده در چنین مواردی اولاً آیا قابل جبران است؟ ثانیاً در صورتی که باید جبران شود، جبران آن برعهده کیست؟ اصل جبران خسارت زیان‌دیده، مسئله‌ای پذیرفته‌شده در نظام حقوقی اسلام است و براساس روایات متعدد و دیدگاه فقها، مسئول کسی است که بین ضرر وارده و فعل او رابطه سببیت عرفی برقرار باشد و این مسئولیت نیز شامل اعمال تصدی دولت و هم اعمال حاکمیت می‌شود. بنابراین خسارت وارده در چنین صورتی اگر به‌طور کامل ناشی از خطای کارمند باشد، جبران خسارت در نهایت برعهده کارمند خواهد بود و چنانچه به‌طور کامل ناشی از خطای اداری باشد، جبران آن برعهده دولت می‌باشد. اما اگر خسارت وارده ناشی از خطای اداری و خطای شخصی باشد، مسئله تعدد اسباب مطرح می‌شود که چنانچه یکی از این دو سبب بر دیگری غالب باشد، مسئولیت با سبب غالب است و چنانچه هیچ‌کدام غالب نباشد، در صورتی که اسباب تأثیرشان

*. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول).

هم‌زمان و در عرض هم باشد، همه مسئول هستند. اما اگر تأثیر اسباب، طولی باشد، آن سبب یا اسبابی مسئول هستند که بین آنها و ضرر وارده، رابطه سببیت برقرار باشد. بنابراین اگر فقط یکی از اسباب چنین رابطه‌ای با ضرر وارده داشته باشد، فقط همان سبب، مسئول است و چنانچه بین تمام اسباب با ضرر وارده رابطه سببیت وجود داشته باشد، همه مسئول جبران خسارت خواهند بود و اما تقدّم و تأخر در تأثیر و سبب نزدیک و ... صرفاً اماره برای احراز رابطه سببیت مذکور می‌باشد.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، دولت، اعمال حاکمیت، اعمال تصدی، تعدد

اسباب

مقدمه

با دقت در خسارات ناشی از اعمال کارکنان دولت، می‌توان عوامل ورود خسارات را به سه قسم تفکیک کرد. گاهی خسارت و زیان وارده صرفاً ناشی از خطای شخصی کارمند است، گاهی خسارت و زیان صرفاً ناشی از خطای اداری است، در مواردی نیز ضرر و زیان، ناشی از هر دو عامل است؛ بدین معنا که زیان وارده به هیچ‌یک از دولت یا کارمند به‌تنهایی قابل‌انتساب نیست، بلکه خسارات وارده ناشی از اجتماع خطای اداری و خطای شخصی کارمند است^۱ (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۹۰: ۴۳۷). در مورد اول بدون تردید کارمند مسئول پرداخت خسارت است؛ زیرا او به‌تنهایی عامل زیان است. در مورد دوم نیز دولت به‌تنهایی مسئول است؛ چون خسارت صددرد ناشی از خطای اداری است. اما در مورد سوم، هم دولت و هم کارمند هر دو در وقوع حادثه و ضرر و زیان دخالت دارند. حال که هر دو در ورود ضرر و زیان مؤثر هستند، این سؤال مطرح می‌شود که آیا نسبت به خسارات وارده، هر دو مسئولیت دارند یا فقط یکی از این دو مسئول است؟

تا اوایل قرن بیستم دانشمندان حقوق بر این اعتقاد بودند که امکان اجتماع خطای اداری و شخصی وجود ندارد؛ یعنی مسئولیت کارمند ناشی از خطای شخصی با مسئولیت دولت ناشی از خطای اداری در یک مورد جمع نمی‌گردد؛ اما با توجه به اینکه در عمل این اجتماع بسیار پیش می‌آمد، این دیدگاه توسط عده‌ای از حقوقدانان مورد انتقاد قرار گرفت و امروزه این مسئله (اجتماع خطای شخصی و اداری) مورد پذیرش واقع شده و تا حدودی در قوانین و مقررات کشورها نیز درج گردیده است

۱. باید توجه کرد که مسئولیت دولت و مسئولیت مستخدم منافی وجود یکدیگر نیستند؛ زیرا یک خطا ممکن است خطای شخصی مستخدم و درعین‌حال خطای اداری دولت تلقی گردد؛ ولی وجود و توأم بودن دو نوع خطا دلیل آن نمی‌شود که زیان‌دیده برای یک زیان، هم از مستخدم و هم از دولت غرامت دریافت کند، بلکه هریک از آنها باید به میزانی که در ایجاد خسارت مؤثر بوده‌اند، غرامت پرداخت کنند.

(صالحی مازندرانی، ۱۳۹۱: ۴۲۷). در قانون مسئولیت مدنی ایران نیز اگرچه این مسئله به روشنی نیامده، اما براساس ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی^۱ که در رابطه با زیان‌های ناشی از عمل کارگران و کارمندان کارخانه است، دادگاه می‌تواند به مسئولیت تضامنی رأی دهد. این ماده به ظاهر مربوط به کارخانه‌ها، کارگاه‌ها و مؤسسه‌های خصوصی است، ولی می‌تواند برای مسئولیت دولت و اداره نیز مورد استفاده قرار گیرد (ابوالحمد، ۱۳۵۴: ج ۲، ص ۴۱۴).

همان‌گونه که روشن است، در این‌گونه موارد که خسارت وارده، ناشی از اجتماع خطای اداری و خطای شخصی است، حکم آن تابع مسئله تعدد اسباب می‌باشد. در این مسئله (مسئله تعدد یا تداخل اسباب)، درخصوص چگونگی مسئولیت و نحوه تقسیم آن میان اسباب، بین فقها و دانشمندان حقوق اختلاف نظر وجود دارد. برخی معتقدند کارمند و دولت هر دو در برابر زیان‌دیده مسئولیت تضامنی دارند و زیان‌دیده می‌تواند برای جبران خسارت به هریک از آن دو رجوع نماید. «البته در رابطه بین خود مسئولان، خسارت وارده باید به نسبت دخالت و میزان تقصیر هریک در وقوع آن، بین آنان تقسیم شود» (کاتوزیان، ۱۳۶۹: ۲۴۴). «در مقابل عده‌ای دیگر مسئولیت تضامنی اسباب را نپذیرفته و تقسیم مسئولیت را به نسبت سهم هریک از عوامل ایجاد خسارت، با مبانی حقوق ما سازگارتر پنداشته‌اند»^۲ (امامی، بی‌تا: ج ۱، ص ۳۹۵).

۱. ماده ۱۴ - در مورد ماده ۱۲ هرگاه چند نفر مجتمعاً زبانی وارد آورند، متضامناً مسئول جبران خسارت وارده هستند. در این مورد میزان مسئولیت هریک از آنان با توجه به نحوه مداخله هریک از طرف دادگاه تعیین می‌شود.

۲. طبق قاعده عقلی که مفاد نبوی مشهور (لا ضرر و لا ضرار) حاکی از آن است، هر کسی زبانی به دیگری وارد آورد، باید آن را جبران بنماید. بنابراین در صورتی که زیان به وسیله یک نفر وارد آید، خسارت را او باید جبران کند، و چنانچه زیان به وسیله چند نفر وارد آید، هرگاه تمامی آنان در پیدایش آن متساوی تأثیر داشته باشند، به تساوی مسئول خسارت وارده می‌باشند. مثلاً هرگاه پنج نفر مردان قوی، سنگی را از دامنه کوه بغلتانند و سنگ حرکت کند و در جاده‌ای که از پای کوه می‌گذرد، بر اتومبیلی بیفتد و آن را بشکند و دو هزار تومان تعمیر لازم داشته باشد، هریک از آنان مسئول چهار صد تومان از آن می‌باشند؛ ولی هرگاه قدرت تأثیر آنان در پیدایش ضرر متفاوت باشد،

ظاهراً قانونگذار ایران نیز در این خصوص نظر واحدی ندارد. در ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی - همان گونه که اصول و قواعد حقوقی در صورت اجتماع اسباب، نیز چنین اقتضایی دارد - مسئولیت تضامنی اسباب را در مقابل زیان دیده پذیرفته و در ذیل این ماده در رابطه بین مسئولان، مسئولیت هریک از اسباب را به میزان تقصیر آن مشخص می نماید.^۱ اما در ماده ۳۳۶ قانون مجازات اسلامی سابق مبنا را بر تساوی مسئولیت قرار داده، مقرر می دارد: «هرگاه در اثر برخورد دو سوار، وسیله نقلیه آنها مانند اتومبیل خسارت ببیند، در صورتی که تصادم و برخورد به هر دو نسبت داده شود و هر دو مقصر باشند، یا هیچ کدام مقصر نباشند، هر کدام نصف خسارت وسیله نقلیه دیگری را ضامن خواهد بود، خواه آن دو وسیله از یک نوع باشند یا نباشند و خواه میزان تقصیر آنها مساوی یا متفاوت باشد، و اگر یکی از آنها مقصر باشد فقط مقصر ضامن است». همچنین در ماده ۵۲۸ قانون مجازات جدید مقرر می دارد: «هرگاه در اثر برخورد دو وسیله نقلیه زمینی، آبی یا هوایی، راننده یا سرنشینان آنها کشته شوند یا آسیب ببینند، در صورت انتساب برخورد به هر دو راننده، هریک مسئول نصف دیه راننده مقابل و سرنشینان هر دو وسیله نقلیه است و چنانچه سه وسیله نقلیه با هم برخورد کنند، هریک از رانندگان مسئول یک سوم دیه راننده های مقابل و سرنشینان هر سه وسیله نقلیه می باشد و به همین صورت در وسایل نقلیه بیشتر، محاسبه می شود و

نمی توان تمامی آنان را مانند مورد مثال بالا به تساوی مسئول خسارت دانست؛ زیرا تأثیر هریک در ایجاد فعلی که موجب خسارت شده، متفاوت بوده و مسئولیت به تساوی ایجاب می نماید که یکی بیش از آنچه خسارت وارد آورده، متحمل گردد و دیگری کمتر از آنچه سبب شده است. بنابراین ناچار باید هریک را به مقدار قوه تأثیرش در فعل، مسئول خسارت دانست. اشکالی که در عمل پیش می آید، تشخیص مقدار تأثیر هریک از افراد می باشد. تشخیص این امر را باید به عهده دادگاه گذارد و در صورتی که دادگاه لازم بداند، از کارشناس کمک بخواهد.

۱. ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی: در مورد ماده ۱۲ هر گاه چند نفر مجتمعاً زبانی وارد آورند، متضامناً مسئول جبران خسارت وارده هستند. در این مورد میزان مسئولیت هریک از آنان با توجه به نحوه مداخله هریک از طرف دادگاه تعیین می شود.

هرگاه یکی از طرفین مقصر باشد، به گونه‌ای که برخورد به او مستند شود، فقط او ضامن است». ماده ۵۳۳ قانون مجازات جدید نیز بیان می‌دارد: «هرگاه دو یا چند نفر به نحو شرکت سبب وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری گردند، به‌طوری‌که آن جنایت یا خسارت به هر دو یا همگی مستند باشد، به‌طور مساوی ضامن می‌باشند».

از طرف دیگر با توجه به ماده ۳۳۵ قانون مدنی^۱ و برخی مواد قانون مجازات اسلامی^۲ و همچنین فقه امامیه، اگر یکی از دو نفر مقصر و دیگری بی‌تقصیر باشد، عرف ضرر را به فرد مقصر نسبت می‌دهد و فقط او مسئول شناخته می‌شود؛ ولی اگر هر دو مقصر باشند یا هیچ‌یک مقصر نباشند، هر دو، سبب عرفی ضرر محسوب شده و مسئول به‌شمار می‌آیند. اگرچه در ماده ۳۳۵ قانون مدنی به موردی که یکی از دو نفر یا هر دو مقصر باشند، اشاره شده است، لکن قانون مجازات اسلامی سابق در ماده ۳۳۶، به پیروی از فقه، به موردی که هیچ‌یک از آنها مقصر نباشند نیز اشاره نموده و هر دو را ضامن شناخته است. ماده ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی جدید نیز صرف انتساب خسارت وارده به طرفین را برای اثبات مسئولیت آنان کافی دانسته که براساس این ماده در صورت انتساب خسارت به طرفین ولو اینکه مقصر نباشند، هر دو مسئول جبران خسارت خواهند بود، مگر اینکه مقصر صرفاً یک نفر باشد که در این صورت فقط مقصر ضامن است.^۳ نکته دیگر اینکه اگرچه این مواد قانونی ناظر به

۱. ماده ۳۳۵: در صورت تصادم بین دو کشتی یا دو قطار راه‌آهن یا دو اتومبیل و امثال آنها، مسئولیت متوجه طرفی خواهد بود که تصادم در نتیجه عمد یا مسامحه او حاصل شده باشد و اگر طرفین، تقصیر یا مسامحه کرده باشند، هر دو مسئول خواهند بود.

۲. از جمله ماده ۵۲۶ و ۵۲۸ قانون جدید مجازات اسلامی.

۳. ماده ۵۲۸: هرگاه در اثر برخورد دو وسیله نقلیه زمینی، آبی یا هوایی، راننده یا سرنشینان آنها کشته شوند یا آسیب ببینند، در صورت انتساب برخورد به هر دو راننده، هریک مسئول نصف دیه راننده مقابل و سرنشینان هر دو وسیله نقلیه است و چنانچه سه وسیله نقلیه با هم برخورد کنند، هریک از رانندگان مسئول یک‌سوم دیه راننده‌های مقابل و سرنشینان هر سه وسیله نقلیه می‌باشد و به همین صورت در وسایل نقلیه بیشتر، محاسبه می‌شود و هرگاه یکی از طرفین مقصر باشد، به گونه‌ای که برخورد به او مستند شود، فقط او ضامن است.

وسایل نقلیه است، اما خصوصیتی در وسیله نقلیه نیست که مانع از شمول این مواد نسبت به دیگر موارد شود؛ لذا می‌توان این قاعده را به موارد دیگر مداخله اسباب متعدد گسترش داد و یک قاعده عمومی از آنها به دست آورد؛ چنان‌که همین معنی از فتاوی‌ای فقهای امامیه^۱ (خویی، ۱۴۲۲ق: ج ۲، ص ۳۲۲) و ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی سابق (صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹: ۲۲۳) و ماده ۵۳۳ قانون مجازات جدید^۲ قابل استنباط است.

بنابراین باتوجه به مواد مختلف قانونی و همچنین دیدگاه فقها و حقوق‌دانان، به پاسخ و تبیین این سؤالات خواهیم پرداخت که: در صورت دخالت چند سبب در وقوع خسارتی، آیا همه اسباب مسئولیت دارند یا فقط یکی از آنها مسئول است؟ در صورتی که یکی از اسباب مسئول است، ملاک تشخیص و تعیین مسئول چیست؟ همچنین از آنجاکه دخالت و تأثیر اسباب می‌تواند به صورت عرضی (هم‌زمان) یا طولی (غیرهم‌زمان یا ترتیبی و پی‌درپی) باشد، برخی گفته‌اند در اسباب عرضی، اسباب متعدد ضامن جبران هستند، ولی در اسباب طولی فقط یک سبب مسئول است. در مقابل عده‌ای بین اسباب عرضی و طولی تفاوتی قائل نشده‌اند و در تمام موارد مسئولیت را بر عهده تمام اسباب قرار می‌دهند (ره‌پیک، ۱۳۹۰: ۷۰). در ذیل به بیان دیدگاه‌های مختلف در این خصوص خواهیم پرداخت:

۱. (مسئله ۲۷۲): لو اجتمع سببان لموت شخص، كما إذا وضع أحد حجراً مثلاً في غير ملكه و حفر الآخر بئراً فيه فعثر ثالث بالحجر و سقط في البئر فمات، فالأشهر أن الضمان على من سبقت جنايته، و فيه إشكال، فالأظهر أن الضمان على كليهما - الوجه في ذلك: هو أنه لا دليل على ما هو الأشهر بين الأصحاب عدا ما قيل من أنه يستصحب أثر السبب الأول و به يرجح على السبب الثاني. و فيه: أنه لا مجال للاستصحاب أصلاً، حيث إنه لا أثر للسبب الأول قبل السبب الثاني، بل هو مستند إلى كليهما معاً، فالنتيجة: أن نسبة الضمان بالإضافة إلى كلا السببين على حد سواء، فلا وجه لترجيح السابق جنايةً على اللاحق كذلك - نعم، إذا كان أحدهما متعدياً، كما إذا حفر بئراً في غير ملكه و الآخر لم يكن متعدياً، كما إذا وضع حجراً في ملكه فمات العائر بسقوطه في البئر، فالضمان على المتعدى.

۲. ماده ۵۳۳: هرگاه دو یا چند نفر به نحو شرکت سبب وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری گردند، به‌طوری که آن جنایت یا خسارت به هر دو یا همگی مستند باشد، به‌طور مساوی ضامن می‌باشند.

۱. تعیین سبب مسئول در صورت تعدد اسباب

در صورت تعدد اسباب (خطای کارمند و خطای اداری) گاهی یک سبب در میان اسباب به قدری قوی است که دیگر اسباب را تحت الشعاع قرار می‌دهد. اما در مواردی نیز در بین اسباب چنین سببی وجود ندارد، بلکه تقریباً همه در یک سطح یا نزدیک به هم هستند. بدیهی است با توجه به این تفاوت، حکم مختلف می‌شود که به تبیین این موارد خواهیم پرداخت.

۱.۱. غلبه یک سبب بر دیگر اسباب

چنانچه از بین اسباب یک سبب دیگر اسباب را تحت الشعاع قرار دهد، ضرر و زیان وارده فقط به همان یک سبب، منتسب بوده؛ لذا همان یک سبب مسئول جبران تمامی خسارت می‌باشد؛ چراکه رابطه سببیت بین این سبب با زیان وارده به حدی قوی است که رابطه سببیت بین دیگر اسباب را با خسارت از بین می‌برد. تحت الشعاع قرار دادن یک سبب دیگر اسباب را در دو فرض تحقق خواهد یافت:

الف) عمدی یا عدوانی بودن یکی از اسباب: در این صورت فقط سببی که به صورت عمد تحقق یافته، مسئول جبران خسارت وارده خواهد بود و دیگر اسباب هیچ‌گونه مسئولیتی نخواهند داشت. مثل اینکه شخصی وسط خیابان راه می‌رود و دیگری این فرصت را غنیمت شمرده و او را عمداً با ماشین زیر بگیرد. در این صورت تنها سببی که به طور عمد مرتکب عمل زیان بار شده، مسئول خواهد بود. همین‌گونه است در صورتی که یک سبب عدوانی باشد و دیگر اسباب غیرعدوانی باشند که در این صورت فقط سبب عدوانی ضامن خواهد بود (نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۴۳، ص ۱۴۶).^۱

۱. «و لو اجتمع سببان ضمن من سبقت الجنایة بسببه، هذا مع تساویهما فی العدوان و لو كان أحدهما عادیا كان الضمان علیه خاصه كما لو حفر بئرا مثلاً فی ملكه و وضع المتعدی حجراً فتعثر به إنسان أو العکس فإن الضمان علی المتعدی منهما فی الصورتین، أما الأولى التي اجتمع فیها السبق و العدوان، فواضح، و أما الثانية فلا تنفاه الضمان عن المالك بانتفاء العدوان فیختص بالسبب الآخر».

ب) نتیجه بودن یک سبب برای دیگر اسباب: چنانچه وقوع و تحقق یک سبب نتیجه سبب دیگر باشد، بدین معنا که یک سبب، علت تحقق دیگر سبب شود، در این صورت فقط سببی که علت پیدایش سبب دیگر شده، مسئولیت دارد؛ زیرا رابطه سببیت و انتساب فقط بین این علت و خسارت وارده وجود دارد. مثل اینکه پزشکی بیمار خود را راهنمایی و توصیه اشتباه نماید و بیمار با پیروی از توصیه اشتباه پزشک، متضرر شود. در این مورد عمل بیمار در نتیجه توصیه و راهنمایی اشتباه پزشک تحقق یافته است (محقق داماد، ۱۴۰۶ق: ج ۱، ص ۱۲۲)؛^۱ لذا در این مورد عمل پزشک، عمل بیمار را تحت الشعاع قرار داده و بنابراین عمل پزشک تنها سبب خسارت وارده تلقی می‌شود و مسئولیت جبران خسارت به طور کامل برعهده او خواهد بود (سنه‌وری، بی تا: ج ۱، ص ۲).

بنابراین در صورتی که خسارت وارده ناشی از چند سبب باشد، اما یکی از اسباب دیگر اسباب را تحت الشعاع قرار دهد، تنها سبب چیره بر دیگر اسباب، مسئولیت دارد - خواه سبب چیره کارمند باشد و خواه دولت - و دیگر اسباب هیچگونه مسئولیتی در قبال خسارت وارده ندارند؛ زیرا رابطه سببیت فقط بین سبب غالب و خسارت وارده برقرار است.

۱.۲. عدم غلبه اسباب بر یکدیگر

چنانچه هیچ سببی بر دیگر اسباب غلبه نداشته و آنها را تحت الشعاع قرار ندهد، بلکه از شرایط نسبتاً یکسانی برخوردار باشند، گاهی تأثیرشان در وقوع حادثه و ضرر، هم‌زمان است و گاهی به صورت غیرهم‌زمان، که به تبیین حکم هریک می‌پردازیم.

۱. شخصی در بیمارستان بستری است و طبیبی به عیادتش می‌آید و به پرستار دستور می‌دهد نوع خاصی از دارو را به بیمار بخوراند. اگر این دارو سمی باشد و موجب مرگ بیمار شود و پرستار نیز به خاصیت سمی آن جاهل باشد، باتوجه به ویژگی‌ها و صلاحیت طبیب در تجویز، تردید وجود ندارد که او نوعی تسلط بر پرستار اعمال می‌کند و پرستار با قبول دستور و تجویز طبیب داروی مسموم را به بیمار می‌خوراند. در این حالت، مسبب، یعنی پزشک، از مباشر یعنی پرستار در حادثه مرگ بیمار مؤثرتر است و به همین علت، طبیب ضامن خواهد بود.

۱.۲.۱. تأثیر هم‌زمان اسباب

در صورتی که چند سبب با هم و هم‌زمان در وقوع حادثه زیان‌آوری دخالت داشته باشند (امامی، بی‌تا: ج ۱، ص ۳۹۵؛ طاهری، ۱۴۱۸ق: ج ۲، ص ۳۸۰)،^۱ به حکم عرف رابطه سببیت بین تمام اسباب و ضرر برقرار است؛ لذا همه اسباب نسبت به خسارت وارده باید پاسخگو باشند (قاسم‌زاده، ۱۳۸۶: ۹۰-۹۱). ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی در این خصوص مقرر می‌دارد: «در مورد ماده ۱۲ هرگاه چند نفر مجتمعاً زیانی وارد آورند، متضامناً مسئول جبران خسارت وارده هستند. در این مورد میزان مسئولیت هریک از آنان باتوجه به نحوه مداخله هریک از طرف دادگاه تعیین می‌شود».

اگرچه این ماده به مسئولیت کارفرمایان در برابر زیان‌هایی که کارکنان اداری یا کارگران آنان در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارد می‌کنند، اختصاص دارد - به‌ویژه اینکه درباره مسئولیت تضامنی کسانی که با هم خسارت می‌زنند حکمی خاص و استثنایی تلقی می‌شود - اما بیانگر یک اصل کلی مبنی بر اشتراک در مسئولیت اسباب متعددی است که با هم زیان وارد می‌کنند. نیز باید متذکر شد اطلاق جمله «چند نفر مجتمعاً زیانی وارد آورند» هم شامل مواردی می‌شود که ورود خسارت بالتسبیب باشد و هم شامل مواردی که خسارت بالمباشره باشد.

همچنین ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی جدید در این باره می‌گوید: «هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی تأثیر داشته باشند،

۱. امامی، بی‌تا: ۳۹۵. «... چنانچه زیان به‌وسیله چند نفر وارد آید، هرگاه تمامی آنان در پیدایش آن متساوی تأثیر داشته باشند، به تساوی مسئول خسارت وارده می‌باشند، مثلاً هرگاه پنج نفر مردان قوی سنگی را از دامنه کوه بغلتانند و سنگ حرکت کند و در جاده‌ای که از پای کوه می‌گذرد، بر اتومبیلی بیفتد و آن را بشکند و دو هزار تومان تعمیر لازم داشته باشد، هریک از آنان مسئول چهار صد تومان از آن می‌باشند...». طاهری، ۱۴۱۸ق: ۳۸۰. «در جایی که چند سبب به طور مساوی در ایجاد یک ضرر دخالت داشته باشند، مثلاً چند نفر مشترکاً سنگی را از جایی حرکت داده و به سمتی منتقل کرده‌اند و آن سنگ در حین سقوط به دیوار خانه کسی آسیب رسانده باشد، و یا عده‌ای مشترکاً دیوار خانه کسی را خراب کرده و یا شیشه اتومبیل کسی را شکسته باشند، در این صورت همه اسباب به طور مساوی ضامن خواهند بود. قانون مجازات اسلامی سابق در بخش دیات "ماده ۳۶۵" چنین می‌گوید: "هرگاه چند نفر با هم سبب آسیب یا خسارتی شوند، به‌طور تساوی عهده‌دار خسارت خواهند بود".»

عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد، به طور مساوی ضامن می‌باشند؛ مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هریک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول هستند. در صورتی که مباشر در جنایت بی‌اختیار، جاهل، صغیر غیرممیز یا مجنون و مانند آنها باشد، فقط سبب، ضامن است.»

براساس این ماده نه تنها در صورت تعدد اسباب که حتی در صورت اجتماع مباشر و سبب نیز چنانچه جنایت یا خسارت مستند به تمامی آن عوامل باشد، همه مسئول خواهند بود. این ماده اصل را بر تساوی تأثیر همه گذاشته؛ پس قائل به مسئولیت برابر همه عوامل شده، لکن در قسمت پایانی ماده مقرر می‌دارد در صورت تفاوت تأثیر رفتار مرتکبان، هریک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول خواهند بود.

البته باید توجه داشت که هم‌زمانی در تأثیر اسباب غیر از هم‌زمانی ایجاد و تحقق اسباب است. در صورت هم‌زمانی تأثیر، بدون شک همه اسباب مؤثر، مسئول هستند (خویی، ۱۴۲۲ق: ج ۲، ص ۳۱۶؛ موسوی خمینی، ۱۴۰۸ق: ۱۱۰)^۱ اما در صورت هم‌زمانی ایجاد و تحقق اسباب، مسئله بین فقها اختلافی است. برخی در صورت تعدد اسباب، بین وقوع هم‌زمان اسباب و غیرهم‌زمان آنان تفکیک قائل شده و در صورتی که

۱. فقها صراحتاً به این تقسیم اشاره‌ای نکردند، اما مصادیقی ذکر کرده‌اند که این مطلب از آنها برداشت می‌شود. به عنوان نمونه مرحوم خویی می‌فرماید: «(مسألة ۲۶۵): لو ركب الدابة ردیفان، فوطئت شخصاً فمات أو جرح، فالضمان عليهما بالسوية... بلا خلاف بين الأصحاب. و يدل على ذلك ما رواه الصدوق في الصحيح عن قضايا أمير المؤمنين (ع): في دابة عليها ردیفان، فقتلت الدابة رجلاً أو جرحته، فقضى بالغرامة بين الردیفين بالسوية، و رواه الشيخ بإسناد عن سلمة بن تمام عن علي (ع)». خویی، ۱۴۲۲ق: ۳۱۶. خمینی، ۱۴۰۸ق: ۱۱۰: «لو ركبها ردیفان تساوی فی الضمان ... بلا خلاف بین الاصحاب و فی كشف اللثام «الاصحاب قاطعون به»، و يدل على ذلك ما رواه الصدوق فی الصحيح عن قضايا امیرالمومنین ع...». همو، ۱۴۰۸ق: ۱۱۴: «لو اشترك اثنان او اكثر فی وضع حجر مثلاً فالضمان على الجميع و الظاهر انه بالسوية و ان اختلف قواهم... لاستناد المسبب الى الجميع و مقتضى القاعدة هو الاشتراك فی الاضمان بالسوية...».

اسباب همزمان واقع شوند، قائل به مسئول بودن همه اسباب و اشتراک آنان در ضمان شده‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ج ۱۲، ص ۱۶۴؛ علامه حلی، ۱۳۸۸: ۳۷۴)؛^۱ چراکه در چنین صورتی هیچ‌یک از اسباب بر دیگری ترجیحی ندارد. در مقابل، عده‌ای دیگر از فقها هم‌زمانی و ناهم‌زمانی ایجاد و تحقق اسباب را در حکم مؤثر ندانسته و فقط تقدم و تأخر در تأثیر را ملاک قرار داده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۴۳، ص ۱۴۶).^۲ ظاهراً قول دوم یعنی ملاک بودن زمان تأثیر اسباب و نه زمان وجود آنان، صحیح به نظر می‌رسد؛ زیرا آنچه ملاک مسئولیت یک سبب است، تأثیر آن سبب است، نه وجود آن.

۱.۲.۲. تأثیر ناهم‌زمان اسباب

در صورتی که وقوع خسارت ناشی از چند سبب باشد، ولی این اسباب با هم و به‌طور هم‌زمان در وقوع خسارت دخالت نداشته باشند، و به عبارت دیگر اسباب، ترتب در تأثیر داشته باشند، در خصوص مسئولیت اسباب نظرهای مختلفی ارائه شده است که در ذیل به بیان و بررسی آنها خواهیم پرداخت. البته باید توجه داشت که ترتب در تأثیر غیر از ترتب در وجود است، و ترتب در تأثیر، هم در اسباب طولی از حیث وجود و هم در اسباب عرضی متصور است.

۱.۲.۲.۱. نظریه برابری اسباب

براساس این دیدگاه تمامی اسباب ورود زیان، با هم برابرند و هیچ تفاوتی میانشان نیست، «چراکه هیچ‌یک از این عوامل به تنهایی برای ایجاد ضرر کافی نیستند

۱. شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ۱۶۴: «فالأول: بأن يجتمع سببان فصاعدا، بأن يحفر واحد بئرا في محلّ عدوانا، و يضع آخر حجرا عنده فيعثر به إنسان فيقع في البئر. فإن اتفقا في وقت واحد اشتركا في الضمان، لعدم الترجيح». حلی، ۱۳۸۸ق: ۳۷۴: «و لو تعدد السبب فالضمان على المتقدم منهما ان ترتبا اما لو انتفى الترتيب فالضمان عليهما كما لو حفر و وضع الحجر معا فان الضمان عليهما».

۲. «و لو اجتمع سببان ضمن من سبقت الجنایة بسببه، و إن كان حدوثه متأخرا أو مصاحبا كما لو ألقى حجرا في غير ملكه و حفر الآخر بئرا فلو سقط العائر بالحجر في البئر فالضمان على الواضع الذي سبقت الجنایة بسببه المقتضى لضمانه، فيستصحب حكم أثر السبب الأول و به رجح على السبب الثاني الذي قد صار بالنسبة إلى الأول كالشرط للمباشرة».

و وجود همه ضرورت دارد و وجود همه با هم، باعث می‌شود حادثه زیان بار به وجود آید، بنابراین تمام آنها سهم برابر دارند و بین هر عاملی، خواه دور یا نزدیک با ضرر رابطه سببیت موجود است و فرقی نمی‌کند که به چه میزان در وقوع خسارت تأثیر داشته یا نزدیکی و دوری آن به خسارت چه اندازه بوده است» (پاترین ژوردن، ۱۳۸۵: ۹۷؛ فرانسوا شابا، ۱۳۶۹: ۴۰؛ به نقل از: کاتوزیان، ۱۳۶۹: ۲۷۸).

برخی فقها نیز - آن گونه که از ظاهر کلامشان آشکار است - قائل به همین دیدگاه - مسئولیت برابر تمامی اسباب مؤثر در ورود خسارت - هستند. محقق حلی (ره) در کتاب شرایع الاسلام می‌گوید: «اگر الف در ملک دیگری و بدون اجازه‌اش چاهی بکند و دیگری چاقویی در ته چاه قرار دهد و کسی با افتادن در چاه بمیرد، الف ضامن است؛ زیرا او سبب مقدم در تأثیر است... ولی چه بسا به ذهن خطور کند که هر دو ضامن باشند، زیرا تلف منحصر به یکی از آنها نبوده است»^۱ (محقق حلی، ۱۴۰۸ق: ج ۴، ص ۲۴۱).

صاحب جواهر (ره) نیز در تأیید این نظریه محقق حلی (ره) می‌گوید: «فرض بر این است که هر دو سبب، متعدی بوده‌اند و دلیلی نداریم که سبق در تأثیر موجب ضمان شود؛ همان گونه که دلیلی بر ضمان سبب قوی تر - با اینکه دیرتر عمل کرده - نداریم»^۲ (نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۳، ص ۱۴۷).

البته ایشان علی‌رغم این کلامشان، در نهایت به علت جریان استصحاب ضمانت الف، قول مشهور را پذیرفته و می‌گوید: «لکن قول نخست، علاوه بر اینکه مشهورتر است، شبیه‌تر به اصول و قواعد مذهب - که یکی از آنها استصحاب ضمان سبب مقدم و سابق در تأثیر است - می‌باشد، بلکه قول دوم صحیح نمی‌باشد؛ چراکه چاقو اگرچه

۱. «و کذا لو نصب سکینا فی بئر محفورة فی غیر ملکه فتردى إنسان علی تلک السکین فالضمان علی الحافر ترجیحا للأول و ربما خطر بالبال التساوی فی الضمان لأن التلف لم يتمحض من أحدهما لكن الأول أشبه».

۲. «... و ربما خطر فی البال التساوی فی الضمان لأن التلف لم يتمحض من أحدهما و الفرض أن كلا منهما متعد و لا دلیل علی الترجیح بالسبق، أو الضمان علی ذی السبب الأقوی و إن كان متأخرا فی الجنایة، كما لو كان السکین قاطعا موجبا».

برنده و مؤثر در جنایت است، لکن موجب ضمان نخواهد شد؛ مگر اینکه مجنی علیه را بر روی چاقو بیندازد و فرض این است که مجنی علیه بر روی چاقو نیفتاده مگر با افتادن در چاه که علت و سبب آن، قرار دادن سنگ جلوی چاه بوده است. بنابراین واضع سنگ همانند کسی است که شخصی را در چاه انداخته است»^۱ (همان: ۱۴۷).

مرحوم خویی (ره) نیز در کتاب مبانی تکملة المنهاج، ضمان هر دو سبب را پذیرفته و ضمان سبب مقدم در تأثیر را امری بدون دلیل دانسته است. ایشان پس از اینکه تنها دلیل برای ضمان سبب مقدم در تأثیر را استصحاب می‌داند، می‌فرماید: هیچ وجهی برای استصحاب نیست؛ چراکه اثری برای سبب اول، قبل از سبب دوم وجود نداشته است، بلکه اثر به طور هم‌زمان، مستند به هر دو می‌باشد^۲ (خویی، ۱۴۲۲ق: ج ۲، ص ۳۲۲). امام خمینی (ره) نیز اگرچه فتوی به ضمان هر دو سبب نداده است، اما احتمال اشتراک در ضمان را قوی می‌شمارد^۳ (موسوی خمینی، بی‌تا: ج ۲، ص ۱۹۳).

از لحاظ حقوقی نیز، براساس ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی سابق،^۴ همه اسباب نسبت به جبران خسارت وارده، مسئول هستند و اطلاق این ماده، هم شامل

۱. «و لكن الأول مع أنه أشهر أشبه بأصول المذهب وقواعده التي منها استصحاب ضمانه السابق جناية، بل لا حاصل للثاني منهما فإن السكين وإن كان قاطعاً لكن لا يضمن إلا أن يوقعه عليه، و الفرض أنه لم يقع عليه إلا بالتردى في البئر الذي كان سببه وضع الحجر مثلاً فصار حينئذ كالدافع في البئر».

۲. مسألة ۲۷۲: «لو اجتمع سببان لموت شخص، كما إذا وضع أحد حجراً مثلاً في غير ملكه و حفر الآخر بئراً فيه فعثر ثالث بالحجر و سقط في البئر فمات، فالأشهر أن الضمان على من سبقت جانيته، و فيه إشكال، فالأظهر أن الضمان على كليهما - الوجه في ذلك: هو أنه لا دليل على ما هو الأشهر بين الأصحاب عدا ما قيل من أنه يستصحب أثر السبب الأول و به يرجح على السبب الثاني. و فيه: أنه لا مجال للاستصحاب أصلاً، حيث إنه لا أثر للسبب الأول قبل السبب الثاني، بل هو مستند إلى كليهما معاً فالتتيجه: أن نسبة الضمان بالإضافة إلى كلا السببين على حد سواء، فلا وجه لترجيح السابق جنايةً على اللاحق كذلك - نعم، إذا كان أحدهما متعدياً، كما إذا حفر بئراً في غير ملكه و الآخر لم يكن متعدياً، كما إذا وضع حجراً في ملكه فمات العاثر بسقوطه في البئر، فالضمان على المتعدي».

۳. مسألة ۶۷: «لو اجتمع سببان للإتلاف بفعل شخصين فإن لم يكن أحدهما أسبق في التأثير اشتراكاً في الضمان، و إلا كان الضمان على المتقدم في التأثير، فلو حفر شخص بئراً في الطريق و وضع شخص آخر حجراً بقربها فعثر به إنسان أو حيوان فوقع في البئر كان الضمان على واضع الحجر دون حافر البئر، و يحتمل قويا اشتراكهما في الضمان مطلقاً».

۴. ماده ۳۶۵ - هرگاه چند نفر با هم سبب آسیب یا خسارتی شوند به طور تساوی عهده دار خسارت خواهند بود.

اسباب در عرض هم می‌شود و هم اسباب در طول هم را در بر می‌گیرد. نیز به موجب حکم شماره ۴۱۷ تاریخ ۱۳۶۹/۶/۱۹ شعبه ۱۱ دیوان عالی کشور آمده است: در صورتی که سه نفر در قتل غیر عمدی یک نفر شرکت کرده باشند، هرکدام مسئول پرداخت یک‌سوم دیه هستند.^۱ این حکم در مورد تعدد اسباب نیز جاری است و سببهای مختلف نیز در صورتی که صدمه مستند به عمل همه آنها باشد تمامی آنان مسئولیت دارند (زراعت، ۱۳۸۹: ۴۳۱؛ به نقل از: صالحی مازندرانی، ۱۳۹۱: ۴۳۴). ماده ۴۵۳ قانون مجازات جدید نیز مقرر می‌دارد: «هرگاه دو یا چند نفر به نحو اشتراک مرتکب جنایت موجب دیه گردند، حسب مورد هر یک از شرکا یا عاقله آنها به طور مساوی مکلف به پرداخت دیه است». اطلاق این ماده نیز شامل اسباب متعددی می‌شود که تأثیرشان همزمان نیست. ظاهراً قانونگذار ایران در ماده ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی جدید نیز همین دیدگاه را پذیرفته، آنجا که می‌فرماید: «هرگاه دو یا چند نفر به نحو شرکت سبب وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری گردند به طوری که آن جنایت یا خسارت به هر دو یا همگی مستند باشد، به طور مساوی ضامن می‌باشند». همچنین در ماده ۵۲۸ این قانون نیز مسئولیت اشتراکی اسباب را پذیرفته است.^۲ اما با توجه به ماده ۵۲۶ و ۵۲۷ و همچنین ماده ۵۳۵ و ۵۳۶ و ۵۳۷

۱. اصولاً نحوه تقسیم دیه بین سه نفر به نحو مذکور در حکم موجه نیست چه با فرض انتساب قتل به سه نفر به استفاده از ماده ۱۰ قانون قصاص و مواد ۳۸ الی ۴۰ قانون دیات در باب اشتراک در جنایت، دیه باید بالسویه بین متهمان تقسیم شود. مضافاً به اینکه تجدید نظرخواه در لایحه اعتراضیه خود مطالب جدیدی را عنوان کرده که قبلاً مکتوم مانده و رسیدگی به آن موثر در مقام و صدور حکم است. باوجوداین باتوجه به مراتب حکم تجدیدنظرخواسته نقض و رسیدگی مجدد به شعبه دیگر کیفری یک ارجاع می‌شود.

۲. ماده ۵۲۸ - هرگاه در اثر برخورد دو وسیله نقلیه زمینی، آبی یا هوایی، راننده یا سرنشینان آنها کشته شوند یا آسیب ببینند در صورت انتساب برخورد به هر دو راننده، هریک مسئول نصف دیه راننده مقابل و سرنشینان هر دو وسیله نقلیه است و چنانچه سه وسیله نقلیه با هم برخورد کنند هریک از رانندگان مسؤول یک سوم دیه راننده‌های مقابل و سرنشینان هر سه وسیله نقلیه می‌باشد و به همین صورت در وسایل نقلیه بیشتر، محاسبه می‌شود و هرگاه یکی از طرفین مقصر باشد، به گونه‌ای که برخورد به او مستند شود، فقط او ضامن است.

این قانون، خلاف این فرض برداشت می‌شود بدین نحو که در صورت غیر همزمان بودن تأثیر، در صورت غیر عدوانی بودن اسباب، سبب مقدم در تأثیر مسئول است و چنانچه همه اسباب، عدوانی باشند به دلیل مشارکت در جرم و جنایت، همه مسئول و ضامن هستند. همچنین در صورت عدوانی بودن عمل یکی از اسباب، فقط سبب عدوانی ضامن است. اما چنانچه تأثیر اسباب همزمان باشد، در این صورت اگرچه اصل، تساوی تأثیر اسباب است و در نتیجه به‌طور مساوی، جبران خسارت بین آنان تقسیم می‌شود؛ اما چنانچه عدم برابری تأثیر اسباب ثابت شود، مسئولیت جبران خسارت براساس میزان تأثیر هریک از آنان، بینشان تقسیم می‌شود.

به این نظریه، اشکالاتی وارد است؛ ازجمله اینکه:

اولاً: «دادرس را ناچار می‌سازد تا در هر دعوایی، تمام اسباب و شرایط دور و نزدیک را مورد توجه قرار داده و در راهی گام نهد که پایانی ندارد، چرا که امروزه برخی حوادث به اندازه‌ای پیچیده است که در هر دعوی می‌توان سلسله علل متعدد و متنوعی را دخیل دانست» (کاتوزیان، ۱۳۶۹: ۲۷۸-۲۷۹). به عبارت دیگر این نظریه در خصوص اینکه تا کجا این سلسله علل را باید کاوش کرد، و کی می‌توان دست از کاوش کشید، راه‌حلی ارائه نمی‌دهد؛ بنابراین ممکن است شمار بی‌کرانی از اشخاص ملزم باشند که در برابر یک خسارت پاسخگو باشند. البته این انتقاد بیشتر در مسئولیت عینی - که تقصیر در آن نقشی ندارد - معتبر و وارد است تا در مسئولیت‌های ناشی از عمل شخصی؛ زیرا وقتی چند سبب همراه با هم موجب خسارت شده باشند، سببهای ناشی از تقصیر بر دیگر اسباب خسارت برتری دارند.

ثانیاً: این نظریه قاضی را سرگردان می‌کند؛ زیرا این تردید در ذهن او باقی می‌ماند که آیا سبب مورد نظر، شرط لازم برای ایجاد خسارت بوده است یا نه (پاتریس ژوردن، ۱۳۸۵: ۹۷).

ثالثاً: «نوعاً اسباب و شرایط نقش برابری در ورود خسارات ندارند، بلکه برخی اسباب فقط زمینه ساز هستند به نحوی که بین آنها و ورود زیان، اصلاً رابطه علیت عرفی وجود ندارد، اما میان برخی اسباب و خسارات وارده، چنین رابطه‌ای مشاهده می‌شود. مثلاً فردی ته سیگار خود را با بی احتیاطی و بی دقتی به زمینی پرت می‌کند که در اثر عبور گاری‌های کشاورزان پر از کاه شده، و در اثر آن آتش روشن شده و محصولات و خانه‌های کشاورزان می‌سوزد. در وقوع این آتش و خسارات ناشی از آن، پرتاب ته سیگار و عبور گاریها و خشک بودن کاه و ده‌ها عامل دور و نزدیک دیگر مؤثر بوده، اما آیا می‌توان همه این اسباب را برابر دانست!» (کاتوزیان، ۱۳۶۹: ۲۷۸-۲۷۹).

بنابراین با توجه به اشکالات این دیدگاه، به نظر پذیرفتن نظریه برابری تمام اسباب، به دور از صواب است.

۱.۲.۲.۲. نظریه سبب مقدم در تأثیر

برخی از فقها در صورت اجتماع اسباب و هم زمان نبودن تأثیرشان در ورود زیان، قائل به مسئول بودن سببی هستند که تأثیرش زودتر بوده است (نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۴۳، ص ۱۴۶).^۱ به عنوان مثال «اگر شخصی در مسیر عبور مردم، گودالی حفر کند و شخصی دیگر سنگی در کنار آن بگذارد، چنانچه عابری در اثر برخورد پایش به سنگ، در چاه بیفتد، کسی که سنگ را نهاده، سبب اصلی و ضامن است؛ زیرا او با این کارش، باعث لغزیدن رهگذر و در نتیجه افتادن در چاه، شده است»^۲ (علامه حلی، ۱۳۸۸: ۳۷۴).

۱. «و لو اجتمع سببان ضمن من سبقت الجنایة بسببه، و إن كان حدوثه متأخراً أو مصاحباً كما لو ألقى حجراً في غير ملكه و حفر الآخر بئراً فلو سقط العائر بالحجر في البئر فالضمان على الواضع الذي سبقت الجنایة بسببه المقترضی لزمانه، فيستصحب حكم أثر السبب الأول و به رجح على السبب الثاني الذي قد صار بالنسبة إلى الأول كالشرط للمباشرة».

۲. «و لو تعدد السبب فالضمان على المتقدم منهما ان ترتبا كما لو حفر شخص بئراً في محل عدوان و وضع اخر حجراً فيه فتعثر انسان بالحجر فوق في البئر فالضمان على واضع الحجر لأنه السبب المؤدى الى الاتلاف فكان أولى بالضمان لان المسبب يجب مع حصول سببه فوضع الحجر يوجب التروى اما لو انتفى الترتيب فالضمان عليهما كما لو حفر و وضع الحجر معا فان الضمان عليهما».

آن گونه که از کلام برخی فقها فهمیده می شود، دیدگاه مشهور در میان فقهای شیعه، همین دیدگاه می باشد،^۱ (رشتی گیلانی، بی تا: ۴۰؛ نجفی، ۱۴۰۴: ج ۳، ص ۱۴۶؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ج ۴، ص ۲۴۰) قانونگذار ایران نیز در ماده ۷۱ قانون آزمایشی دیات^۲ و همچنین ماده ۳۶۴ قانون مجازات اسلامی همین دیدگاه را پذیرفته است، آنجا که مقرر می دارد: «هرگاه دو نفر عدواناً در وقوع جنایتی به نحو سبب دخالت داشته باشند، کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب دیگری باشد، ضامن خواهد بود».

برخی از حقوقدانان توجیه این دیدگاه - مبنی بر اینکه عرف در این گونه موارد تلف را مستند به کاری می داند که زودتر در تلف اثر کرده است - را خصوصاً در جایی که هر دو سبب، قصد اتلاف مال را داشته باشند، فاقد دلیل می دانند و می گویند چگونه می توان ادعا کرد که حفرکننده چاه - در مثال فوق الذکر - در این اقدام دخالت ندارد؟ (کاتوزیان، ۱۳۶۹: ۲۸۰).

در پاسخ به ایشان باید گفت دلیلی که فقهاء آورده اند منحصر در فهم عرف نیست بلکه صاحب جواهر برای اثبات این حکم به استصحاب استناد می نماید^۳ (نجفی، ۱۴۰۴: ص ۱۴۰۴).

۱. رشتی گیلانی، بی تا: ۴۰: «التقاط فی اجتماع السببین؛ ظاهر الاكثر بل المشهور ان الضمان يتوجه الى اسبقها تأثيراً لا وجوداً كالعشرة المستندة الى وضع الحجر على البئر الموجب للوقوع فيها فالضمان على الواضع لأنه سبب سبق تأثيره قد اوجب انتساب التلف إليه عرفاً فلا يكون موجب لضمان الآخر كما تقدم في المباشر المجمع مع السبب». نجفی، ۱۴۰۴: ج ۳، ص ۱۴۶: «و لو اجتمع سببان ضمن من سبقت الجنایة بسببه، و إن كان حدوثه متأخراً أو مصاحباً كما لو ألقى حجراً في غير ملكه و حفر الآخر بئراً فلو سقط العائر بالحجر في البئر فالضمان على الواضع الذي سبقت الجنایة بسببه المقتضى لضمانه، فيستصحب حكم أثر السبب الأول و به رجح على السبب الثاني الذي قد صار بالنسبة إلى الأول كالشرط للمباشر».

۲. ماده ۷۱ - هرگاه دو نفر در ارتکاب جنایتی به نحو سبب دخالت داشته باشند نه مباشرت کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب دیگری باشد ضامن خواهد بود مانند آنکه یکی از آن دو نفر چاهی بکند و دیگری سنگ لغزنده را در کنار او قرار دهد که عابر به سبب برخورد با سنگ به چاه می افتد که در این موارد فقط کسی که سنگ لغزنده را گذاشته ضامن است و چیزی بر عهده کسی که چاه را کنده، نیست.

۳. «... لو ألقى حجراً في غير ملكه و حفر الآخر بئراً فلو سقط العائر بالحجر في البئر فالضمان على الواضع الذي سبقت الجنایة بسببه المقتضى لضمانه، فيستصحب حكم أثر السبب الأول و به رجح على السبب الثاني...».

ج ۴۳، ص ۱۴۶). در هر صورت برخی از فقها نیز مخالف این دیدگاه بوده، برخی قول به اشتراک در ضمان را تقویت نموده و برخی دیگر نظریه ضمان سبب اقوی را مطرح نمودند^۱ (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ج ۱۵، ص ۳۸۱؛ نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۳۷، ص ۵۵). همچنین برخی دیگر از فقها سبب مؤخر را مسئول دانسته‌اند^۲ (عاملی، بی تا: ج ۱۰، ص ۳۱۹).

قانونگذار ایران نیز در ماده ۵۳۵ قانون مجازات جدید در صورتی که چند عامل به صورت غیر همزمان در وقوع جنایتی دخالت داشته باشند، عاملی را که تأثیر آن مقدم است، ضامن و مسئول دانسته و مقرر می‌دارد: «هرگاه دو یا چند نفر با انجام عمل غیر مجاز در وقوع جنایتی به نحو سبب و به صورت طولی دخالت داشته باشند کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب یا اسباب دیگر باشد، ضامن است مانند آنکه یکی از آنان گودالی حفر کند و دیگری سنگی در کنار آن قرار دهد و عابری به سبب برخورد با سنگ به گودال بیفتد که در این صورت، کسی که سنگ را گذاشته، ضامن است مگر آنکه همه قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند که در این صورت شرکت در جرم محسوب می‌شود».

۱. شهید ثانی: «... و فی المسأله احتمالان آخران ذکر المصنف - رحمه الله - أحدهما، و هو تساوی السببین فی الضمان، لأن التلف حصل منهما، و كلاهما متعدّ، فلا یرجح الأول بالسبق. و الثاني: ترجیح السبب الأقوی، كما لو كان السکین قاطعا موجبا، فیختصّ الضمان بناصبه. و الأشهر الأول. هذا إذا كانا متعدّین. فلو اختصّ أحدهما بالعدوان اختصّ بالضمان». نجفی: «... و ربما احتتمل ترجیح الأقوی، كما لو نصب سکینا فی البئر المذكور، و قد یحتمل قویا تساوی السببین، لاشتراكهما فی التلف الحاصل خارجا، و أنه لولا الحجر لم یحصل التردی فی البئر، كما أنه لولا البئر لم یؤثر العثور بالحجر تلفا، بل لو فرض کون کل من السببین متلفا لو استقل إلا أنهما اشتراکا فیما تحقق فی الخارج من التلف یتجه أيضا فی الاشتراک فی الضمان. و تمام الکلام فی ذلک فی الدیات إنشاء الله تعالی».

۲. «و احتمل فی (الشرائع) تساوی السببین فی الضمان لأن التلف حصل منهما و كلاهما متعدّ فلا یرجح الأول بالسبق و ربما احتتمل ترجیح السبب الأقوی كما لو نصب سکینا فی بئر حفرها غیره فی غیر ملكه فالضمان علی ناصب السکین إذا كان قاطعا موجبا و قال فی (کشف اللثام) لا أفهمه فإن السکین و إن كان قاطعا لکن لا یضمن إلا من یوقعه علیه و لم یقع علیه إلا للتردی انتهى (قلت) لو فرض فیما إذا كان الوقوع فی البئر لا یقتل و القتل إنما استند إلى السکین فلعله یتجه و یكون الحال فی العثور بالحجر بالنسبة إلى البئر كذلك عنده فلیتمّمل و قد احتمل فی (کشف اللثام) فیما سلف القول بضمان المتأخر منهما و نفی عنه البعد و هو عکس ما فی التذکره». رشتی گیلانی، بی تا: ۴۱-۴۲.

البته قانونگذار در این ماده - برخلاف ماده ۳۴۶ قانون مجازات اسلامی سابق که در صورت عدوانی بودن عمل هر دو، تنها سبب مقدّم در تأثیر را ضامن دانسته^۱ - بین صورتی که عاملین و اسباب ورود خسارت و وقوع جنایت، قصد ارتکاب جنایت را ندارند با موردی که قصد ارتکاب جنایت را دارند فرق گذاشته و در صورت دوم، همه آنان را به دلیل شرکت در جرم مسئول محسوب نموده، و اشکال وارد به قانون سابق را مرتفع نموده است.

۱.۲.۲.۳. نظریه سبب نزدیک و بی واسطه (سبب مؤخر)

براساس این دیدگاه، نزدیک‌ترین و آخرین سبب، ضامن و مسئول می‌باشد؛ زیرا تا قبل از آخرین سبب، همه چیز حالت عادی داشته، و آخرین سبب وضع را دگرگون ساخته و خسارات را ایجاد نموده است. قائلین به این نظریه در مثال سنگ و چاه، قائل به ضمان و مسئولیت حفر کننده چاه هستند بدین دلیل که تا قبل از حفر چاه، هیچ رابطه‌ای میان سنگ و مرگ وجود نداشته است و حفر چاه بوده که سنگ را عامل خطرناک ساخته است. برخی از فقهاء این دیدگاه را به نویسنده کتاب کشف اللثام، نسبت داده‌اند (عاملی، بی تا: ج ۱۰، ص ۳۱۹).^۲ «فرانسیس بیکن، فیلسوف مشهور انگلیسی در انتقاد از نظریه تساوی اسباب و لزوم قناعت به آخرین آنها می‌نویسد: برای علم حقوق، قضاوت درباره تمام علت و معلول‌ها و اثر هریک بر

۱. ماده ۳۶۴ قانون مجازات اسلامی سابق: هرگاه در نفر عدواناً در وقوع جنایتی به نحو سبب دخالت داشته باشند کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب دیگری باشد، ضامن خواهد بود، مانند آنکه یکی از آن دو نفر چاهی حفر نماید و دیگر سنگی را در کنار آن قرار دهد و غایب به سبب برخورد با سنگ به چاه افتد کسی که سنگ را گذارده ضامن است و چیزی به عهده حفر کننده نیست و اگر عمل یکی از آن دو عدوانی و دیگر غیر عدوانی باشد، فقط شخص متعدی ضامن خواهد بود.

۲. «و قد احتمل فی (کشف اللثام) فیما سلف القول بضمان المتأخر منهما و نفی عنه البعد و هو عکس ما فی التذکره». گیلانی، نجفی، میرزا حبیب الله رشتی، کتاب الغصب (للمیرزا حبیب الله)، ص ۴۱: فکلّ من وضع الحجر و حفر البئر کان هو المتأخر فی الوجود یضمن به و هذا الاحتمال محکی عن الفاضل الاصبهانی و لا یخلو عن جوده و وجهه لان السبب الاول لما توقف تأثیره علی وجود السبب الاول لما توقف تأثیره علی وجود السبب اللّاحق فصار کانه غیر سبب حقیقه فی نفسه و ان سببه قد حصلت من وجود السبب الثانی کحفر البئر فی جنب الحجر الموضوع فی الطريق... .

دیگری وظیفه‌ای پایان‌ناپذیر است و به همین جهت به علت مستقیم و بی‌واسطه اکتفا می‌کند» (کاتوزیان، ۱۳۶۹: ۲۷۹).

از جمله اشکالات این دیدگاه این است که اگرچه در بیشتر موارد، نزدیک‌ترین سبب‌ها، مؤثرترین آنها نیز می‌باشد، اما گاهی سبب قوی‌تر، دورتر می‌باشد و بی‌اعتنایی به آن، نتایج غیرعادلانه و نامطلوبی به دنبال خواهد داشت (همان). «قانون مدنی نیز در ماده ۳۳۲، با اینکه مباشر تلف نزدیک‌ترین سبب آن است، موردی که سبب دورتر قوی‌تر باشد، عامل ایجاد آن را مسئول می‌شمرد و داوری این مسئله را به عرف وامی‌گذارد»^۱.

۱.۲.۲.۴. نظریه سبب اقوی (سبب متعارف)

قائلان به این دیدگاه می‌گویند، بر عمل همه عاملان ضرر نمی‌توان حکم سبب را بار کرد، بلکه برخی سبب و برخی صرفاً زمینه ساز ورود ضرر (شرایط) می‌باشند. حادثه‌ای را می‌توان سبب نامید که به صورت عرفی منجر به ورود ضرر شود و به عبارت دیگر، مقتضی ورود خسارت باشد، اما اگر عامل به گونه‌ای باشد که ترتیب ضرر بر او به صورت استثنایی و اتفاقی باشد، در چنین صورتی نمی‌توان بر آن عنوان سبب اطلاق نمود و در نتیجه مسئولیتی نیز نخواهد داشت؛ چراکه هرکس مسئول جبران زیان‌هایی است که به حکم عادت و معمول از تقصیر او ناشی شده است (کاتوزیان، ۱۳۶۹: ۲۸۲). معیاری که براساس آن تشخیص داده می‌شود که یک فعل تا چه اندازه برای ایجاد نتیجه زیان‌بار استعداد داشته، این است که ایجاد خسارت توسط آن فعل تا چه حد قابل پیش‌بینی بوده و احتمال عینی چنین نتیجه‌ای تا چه حد بوده است (پاتریس ژوردن، ۱۳۸۵: ۹۸).

قانون مجازات اسلامی جدید ایران نیز در ماده ۵۰۷ در همین راستا مقرر می‌دارد: «هرگاه شخصی در معابر و اماکن عمومی یا ملک دیگری بدون اذن مالک، گودالی

۱. ماده ۳۳۲ ق م: هرگاه یک نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال بشود، مباشر مسئول است، نه مسبب؛ مگر اینکه سبب، اقوی باشد به نحوی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد.

حفر کند یا چیز لغزنده‌ای در آن قرار دهد و یا هر عملی انجام دهد که سبب آسیب دیگری گردد، ضامن دیه است مگر اینکه فرد آسیب‌دیده با علم به آن و امکان اجتناب، عمداً با آن برخورد نماید».

همچنین در ماده ۵۱۶ قانون مذکور بیان نموده است: «هرگاه کسی چیزی را در مکانی مانند دیوار یا بالکن ملک خود که قرار دادن اشیاء در آن جایز است، قرار دهد و در اثر حوادث پیش‌بینی نشده به معبر عام و یا ملک دیگری بیفتد و موجب صدمه یا خسارت شود ضامن متفی است؛ مگر آنکه آن را طوری گذاشته باشد که نوعاً مستعد صدمه یا خسارت باشد». در مواد ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۵۰ و ۳۵۳ قانون مجازات اسلامی سابق و مواد ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹ و ۵۲۱ قانون مجازات اسلامی جدید نیز همین مبنا پذیرفته شده است.

در فقه امامیه نیز برخی فقهاء سبب را منحصر به موردی می‌دانند که شخص مرتکب عملی شود که عادتاً از آن ایجاد تلف انتظار برود^۱ (محقق کرکی، ۱۴۱۴ق: ۶، ۲۰۷). بر مبنای همین دیدگاه، محقق ثانی می‌فرماید: «چنانچه شخصی گوسفندی را غصب نماید و برهی آن بمیرد یا مالک گله‌ای را حبس نماید و در نتیجه آن، گله تلف شود، چنانچه بر حسب عادت، انتظار تلف برهی گوسفند و یا گله برود، غاصب مسئول خسارت وارده است، اما اگر بر اساس اتفاق چنین حوادثی رخ دهد، ضمانی وجود ندارد»^۲ (همان: ۲۱۸).

۱. «فكان الأولى ان يقول (فی تفسیر التسیب): و هو إيجاد ما يحصل التلف عنده لكن بعلة أخرى، إذا كان السبب مما يتوقع معه علة التلف، بأن يكون وجودها معه كثير».

۲. (و لو غصب شاء فمات ولدها جوعاً، أو حبس المالك عن حراسة ماشيته فاتفق تلفها، أو غصب دابة فتبعها الولد ففي الضمان نظر). ينشأ: من عدم إثبات اليد على شيء من ذلك و انتفاء مباشرة الإلتلاف، و من أنه سبب. و الأولى أن يقال: منشأ النظر الشك في كونه سبباً في التلف و عدمه، لانتفاء المباشرة للإلتلاف و الغصب. و التحقيق أن يقال: إن قصد توقع العلة في التلف بغصب الشاء، و الدابة، و حبس المالك عن حراسة الماشية بحيث يكون التلف متوقفاً بالضمان ثابت، و معه فالضمان لازم لضعف المباشرة.

هرچند مبانی این دیدگاه - خصوصاً تفکیک سبب خسارت از شرایط ایجاد آن - منطقی به نظر می‌رسد، اما از همه نتایج آن نمی‌توان پیروی کرد. به عنوان نمونه، به چه دلیل قابلیت پیش بینی ضرر، در ایجاد مسئولیت باید مؤثر باشد. اولاً اقتضای انصاف چنین امری نیست. «ثانیاً این شرط با هیچ قاعده حقوقی قابل توجیه نیست، مگر بگوییم تنها در این مورد است که تقصیر رخ می‌دهد (کاتوزیان، ۱۳۶۹: ۲۸۳).^۱ ثالثاً علل وقوع خسارت گاه چنان پیچیده و مبهم است که تشخیص سبب متعارف از سایر شرایط کار دشوار و غیر ممکن است» (همان). رابعاً اجرای آن، راه را برای شخص گرای (در مقابل عینی گرایی) و خودسری می‌گشاید، زیرا ارزیابی عینی اینکه آیا تقصیر ارتکاب یافته، خسارت را پیش بینی پذیر می‌کرده است یا خیر، دشوار است لذا بیم آن می‌رود که تقصیر و رابطه سببیت با یکدیگر آمیخته شوند و تعیین رابطه سببیت، وابسته به ماهیت و اهمیت تقصیر شود (پاتریس ژوردن، ۱۳۸۵: ۹۹).

۱.۲.۲.۵. نظریه ترکیبی (استناد)

اگرچه براساس نظر مشهور فقهاء در صورت همزمان نبودن تأثیر اسباب، سببی که زودتر تأثیر بگذارد، مسئول خسارت وارده می‌باشد^۲ (نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۳، ص ۱۴۶). اما از نگاه حقوقی «بیشتر محققین در باب مسئولیت مدنی، نظرشان این است که هیچ نظریه علمی به طور قاطع حاکم بر همه مسایل رابطه سببیت نیست. در

۱. به گفته ریپر و بولانژه دو استاد فرانسوی، نظریه سبب متعارف بهانه‌ای است که دادرس زیر عنوان آن در جستجوی علتی باشد که مستند به تقصیر است؛ زیرا در جایی که چند حادثه پیش از ورود ضرر رخ داده است، آنها که به تقصیر مرتکب مربوط می‌شود، قابل پیش‌بینی است که زیان را به بار می‌آورد؛ چنان‌که اگر راننده‌ای به سمت چپ خیابان منحرف شود، پیش‌بینی امکان وجود سانحه در نتیجه این تقصیر مسلم است. به نقل از کاتوزیان، ۱۳۶۹: ۲۸۳.

۲. «و لو اجتمع سببان ضمن من سبقت الجنایة بسببه، و إن كان حدوثه متأخراً أو مصاحباً كما لو ألقى حجراً في غير ملكه و حفر الآخر بئراً فلو سقط العائر بالحجر في البشر فالضمان على الواضع الذي سبقت الجنایة بسببه المقتضى لضمانه، فيستصح حکم أثر السبب الأول و به رجح على السبب الثاني الذي قد صار بالنسبة إلى الأول كالشرط للمباشر. و کذا لو حفر بئراً عدواناً و نصب آخر سکیناً و وضع آخر حجراً فحثر بالحجر ثم وقع فی البشر فأصابته السکین فإن الواضع حينئذ كالدافع فی البئر المزبورة».

این مسئله، مهم این است که کسی مسئول جبران خسارات وارده شناخته شود که بین فعل او و ایجاد خسارت رابطه سببیت عرفی وجود داشته باشد، به نحوی که بتوان گفت بین آن دو ملازمه عرفی وجود دارد. همین که چنین رابطه‌ای احراز شد، عامل آن باید مسئول شناخته شود» (کاتوزیان، ۱۳۶۹: ۲۸۴). درواقع می‌توان گفت نظریات مذکور نوعی راهنما و اماره برای تشخیص رابطه‌ی عرفی در مهم‌ترین و مؤثرترین سبب می‌باشند. لذا نباید هیچ یک از آنها را یک نظر قطعی تلقی کرد؛ بلکه باید در شرایط مختلف از همه آنها استفاده نمود. به همین دلیل به نظر می‌رسد راه حل ماده ۳۶۴ قانون مجازات سابق نیز یک اماره باشد لذا اگر در مواردی سبب غیر مقدم عرفاً رابطه‌ی استنادی بیشتری با خسارت داشته باشد باید آن را مسئول بدانیم (رهپیک، ۱۳۹۰: ۷۲). خلاصه اینکه هر کدام از نظریه‌ها بیانگر گوشه‌ای از حقیقت و نه تمام حقیقت است، و نمی‌توان به طور کامل به یکی از این دیدگاهها اتکاء نمود. بنابراین آنچه ملاک مسئولیت است، وجود رابطه سببیت عرفی یا به تعبیر دیگر قابلیت استناد است. چنانچه بین خسارت وارده و یکی از اسباب رابطه سببیت وجود داشته باشد فقط همان سبب - خواه نزدیک باشد یا دور - مسئول است؛ اما چنانچه بین خسارت وارده و تمام اسباب این رابطه وجود داشت، طبیعتاً همه مسئول خواهند بود، که البته در این صورت این سؤال مطرح می‌شود که آیا مسئولیت همه به نحو برابر و مساوی است یا اینکه هر کدام با توجه به میزان تأثیر یا ... مقدار مسئولیت او مشخص می‌شود؟ پاسخ این سؤال در مباحث آینده داده خواهد شد. و نیز اینکه مسئولیت اسباب متعدد در مقابل زیان‌دیده اشتراکی است یا اینکه تضامنی است؟

نتیجه

چنانچه خسارت وارده ناشی از خطای شخصی کارمند و خطای اداری باشد، مسئولیت جبران خسارت با سبب یا اسبابی است که بین فعل آنها و ضرر وارده، رابطه سببیت عرفی باشد. لذا چنانچه یک سبب بر سبب یا اسباب دیگر چیره باشد،

در این صورت تنها همان یک سبب، مسئول است؛ زیرا براساس قضاوت عرف سبب غالب و چیره، رابطه سببیت بین دیگر اسباب و ضرر وارده را قطع می‌کند. اما اگر همه اسباب از شرایط نسبت یکسانی برخوردار باشند و تأثیرشان نیز همزمان باشد همه مسئول جبران خسارت هستند؛ چون در چنین صورتی، بین ضرر وارده و عمل همه اسباب عرفاً رابطه سببیت وجود دارد. اما در اسبابی که تأثیرشان به صورت طولی است، با توجه به ملاک رابطه سببیت عرفی و قابلیت استناد، سبب یا اسبابی مسئول هستند که چنین رابطه‌ای بین آنها و ضرر وارده باشد.

منابع

۱. ابوالحمد، عبد الحمید، (۱۳۵۴)، حقوق اداری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
۲. امامی، سید حسن، (بی تا)، حقوق مدنی (امامی)، ج ۶، تهران: اسلامیة.
۳. پاتریس، ژوردن، (۱۳۸۵)، اصول مسئولیت مدنی، ترجمه مجید ادیب، تهران: میزان، چاپ دوم.
۴. حلی (علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، (۱۳۸۸)، تذکرة الفقهاء (ط - القدیمة)، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۵. حلی (محقق)، نجم الدین جعفر بن حسن، (۱۴۰۸ق)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۴، ج ۴، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.
۶. خمینی، سید روح الله، (۱۴۰۸ق)، مستند تحریر الوسیله، کتاب الدیات، تهران: استاد مطهری، چاپ دوم.
۷. خمینی، (بی تا)، تحریر الوسیله، ج ۲، ج ۲، قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.
۸. خویی، سید ابوالقاسم موسوی، (۱۴۲۲ق)، مبانی تکملة المنهاج، ج ۲، ج ۴۲ موسوعة، قم: مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئي (ره).
۹. رشتی گیلانی، میرزا حبیب الله، (بی تا)، کتاب الغصب، بی جا: بی نا.
۱۰. ره پیک، حسن، (۱۳۹۰)، حقوق مسئولیت مدنی و جبران ها، تهران: خرسندی، چاپ چهاردهم.
۱۱. السنهوری، عبدالرزاق احمد، (بی تا)، الوسیط فی شرح القانون المدنی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۱، مجلد ۲.
۱۲. صالحی مازندرانی، محمد، (۱۳۹۱)، بررسی فقهی حقوقی مسئولیت مدنی ناشی از تصمیمات قضایی با نگاهی به برخی نظام های حقوقی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱۳. صفایی، حسین و حبیب‌الله رحیمی، (۱۳۸۹)، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، تهران: سمت.
۱۴. طاهری، حبیب‌الله، (۱۴۱۸ق)، حقوق مدنی (طاهری)، ۵ ج، ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۱۵. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، (۱۳۹۰)، حقوق اداری، تهران: سمت، چاپ هفدهم.
۱۶. عاملی، سید جواد بن محمد حسینی، (بی‌تا)، مفتاح الکرامة في شرح قواعد العلامة (ط - القديمة)، ۱۱ ج، ۱۰، بیروت: دار إحياء التراث العربي.
۱۷. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، (۱۴۱۳ق)، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، ۱۵ ج، ۱۲، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
۱۸. عاملی (محقق ثانی)، علی بن حسین کرکی، (۱۴۱۴ق)، جامع المقاصد في شرح القواعد، ۱۳ ج، ۶، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۱۹. زراعت، عباس، (۱۳۸۹)، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، تهران: ققنوس، چاپ چهارم.
۲۰. قاسم‌زاده، مرتضی، (۱۳۸۶)، الزام‌ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد، تهران: میزان.
۲۱. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۶۹)، حقوق مدنی ضمان قهری - مسئولیت مدنی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۲. نجفی، محمدحسن، (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام في شرح شرائع الإسلام، ۴۳ ج، ۴۳، بیروت: دار إحياء التراث العربي، چاپ هفتم.
۲۳. یزدی، سید مصطفی محقق داماد، (۱۴۰۶ق)، قواعد فقه (محقق داماد)، ۴ ج، ۱، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ دوازدهم.